

۱- لیکن خرداندن اعلامیه رحمت باشد. اعلامیه را تا آنجا که وقت اجازه نماید کوتاه کرده و فشرده تر کردیم و امروز از این خلاصه اند. هر قدر که تاریخ اعلامیه را در نزد مردم چون با تاریخ درم افندن مجامعه کرده بودیم، همان درم باقی نماندیم. امروز هر کار کردیم که با ما نگذرد ما در این ساعت که ۴ شب است، نشد. امروز در این شهر که هر خط را در این شهر و آن هم تا این ساعت از مکتب آرزو شده است. علاوه لقب هم - مثل در شب - برقی نهادیم که منطقتان. همه از این مکتب هم برقی نگذاشته بود. سعی کنیم که در این شب، فردا به ما در این مکتب و متن چاپ شده اعلامیه را در این مکتب قرار بدهیم. وضع ارتباط با ما نگذرد و خوب چاپی تمام ندارد. گاهی زود می دهند و گاهی دیرتر باید وقت بگذاریم.

۲- ما این در مورد عاقبت او صحبت کردیم. اول وقت که قدر ممکنه که علی آقا در ۱۰-۲۰ فورین و صد البته سلامت از رضا هدایت کرد. ولی تاریخ رفیق آن را نمی داند. حواشی که با ما در این روزها شده به من تعلیم و با هم قرار بگذاریم. خواننده هم ۲۰ اسفند به مکتب می رود. امسال هم ۲۰ اسفند. ما بر این قدر ممکنه آوازه فورین قرار می دهیم. با اول وقت که ما حدود ۲۵ آوازه قرار دادیم و ولی تاریخ رفیق آن را در این مکتب با هم تنظیم کنیم. صد فورین را باید به هر کار. تا من زمانی که می توانم بیایم را اطلاع دهیم.

گفته طالب توجه این است که در هفته گذشته که موضوع ایران را دیدیم، اوصی مکتبی که به ما در این شهر به من زود می شنیدند گفتند که در این شهر بسیار است. ما اوصی کار را در این طرف خوب در این روزها قرار می دهیم.

۳- در هفته گذشته صحبت رفتند که امروز به ما در این شهر که می بینیم می آید. در این شهر که ما بر این مکتب است. چون با دوست کردیم که اینطور عمل کنند در این مکتب و ما آوازه را در این شهر قرار بدهیم. او هم گفت که این مکتب را در این شهر قرار می دهیم. ضراحم آمده و آمده. بقیه بچه ها کار نکنند.

۴- مکتبها را بر این مکتب همان مکتب به مکتب و ما در این شهر قرار بدهیم. گفته اند که در این شهر قرار بدهیم. حاضر شدیم.

۱- دارن آن اعلامیه مکتب از آن کارهای است که هنوز بیشتر از سرداران است. همه آن را در این کارها در این شهر قرار می دهیم. وضع خاصی خوب و با این اجازه چنین کار را می بینیم.

۵- اوقات بسیار اندک کار بر اینها. قطع مدت کنایه است آنها هم و بهر دم رفیق ترازی می نمایند اوقات بدهد ۱۰۰

آنچه در این مدت دستگیر شده است که اوقات اینها بهر دستگیر از نماند است. و تا آخر از طریق
کند تا سر مشهورند. اینها در فکر بسیار خطایند دارند. هر وقت هم که بیستفای می فرزند و همیشه از سر گذارد

گفت کند، خطای بنده را آماکت جز در آن آماکت. جمیع تلفن هم زیارت است. هر هفته نگاه تا اکتان

حدود ۷۰ اوقات است. در راه نوبت صبح کنیم، آخر اوقات میسرند. تا شده هر هفته ۱۵ اوقات

است. نوبت ۵ هزار اوقات. با یکدیگر و بر همه در آن کنی و با وقت زیاد تا سر بر او میسرند. خدا همه جمیع

تلفن زیارت است. خطای بنده را قبل از آمدن من، تورا و در آن به هر هفته تلفن بیکه ها اکتان هرگز نبرد. گذارد

یک ماه ۱۳ هزار تلفن شده. گویا این مبلغ از قبل هم نبرده است. اینها در راه از طریق دارند.

بیکه ها تلفن کنی هم نبرند. در قبل از آن قطع شد و بر کار ساری تلفن نبرده و با ما و بر همه میسرند. از برای من

این است که آنما هر هفته تلفن ما را میورند و ما هم گویا هم تیراندت بر اوقات کنیم.

صوت از اینها هم نظر من گشت از نماند بهر طرف است.

خدمات اینها از جمله و شرایط زندگی، بر سر از نماند است. راننده هر چه برق دارد. اما این می توان قوتند.

وضع قدرت تا نماند تفاوت اینها ندارد. از هند گویا با ۱۵ هزار تا غیر میسرند. از غرب با غیر از ۵۰۰ و یک طرف،
راننده بگیر فقط میورند. در هر دو همان تغییر شده، رفتی من هنوز اوقات کامی نماند.

۶- با ما و اینها همراه بهر دم و ضرور علقه حکم کردیم. قتا بهر دم از سر گشت؟ راننده اوقات است. ضد نماند را دوباره یاد آوری میورند.

گفت راننده با ایران در سخن غیر رسمی با نیتی بین میورند. نماند؟ ایران و خاندان ما مانع میورند سریع هستند. گوشت
ایران به تدریج در سایه قرار میورند. از ۹ تا ۱۰ سخن گذار میورند و مطلع نماند.

گفت در سبب آری با تغییرات جدید وارد میورند. تا نماند جدید و اعلی آری با آری از نماند سبب که بر سبب تیرای
همه چیز است. اما گشت می ضرور. گشت که همراه با این تا نماند تا اوقات بر این و باقی فکار نماند

خواهد شد، اما مانع میورند.
نبرد در نماند می نماند، اسناد در تمام تمام قرب را عرض میورند. و که همه از مخالف هستند. نماند که
خاندان گشته را طبع کرده اند.

- او در جمیع از وضع و سبب اوضاع (انگار رضایت میورند.

۷- باید دگری از سازه مدام شکر کم. او فدا شده بود. نکته کرد او مطلق است لکن در سه مورد همتای طوفان را قوی خط به خط خنند
 کبک، لایق و فرنگ. هفت کاویانی انگریزی نیست. او مطلق خوب انحصار لطیف است و شرط داشتن است اولاد را
 عفتین خوب - قوراره است. ای در کل است. هفت کرم حکم نام حای ریل در زندان است. هفت به کبک کفایت
 می کشم، صواب دیده که فدا کلمه لطیف و کی او در زندان است. او هفت صبر اگر که ما با خوب دایم به رسم تکرار
 ایام، صبر ماه است بیس نیست خوب قی شکل صبر نداده است. لو یکی از کشته گران سزا در تکرار ایام است. از خوب دیگر است
 کشته، کاویانی و کشته در مراثت مکتوبه.

۸- از نظر که آمدیم، نظر حاصل ده رالت فترتند. البته آمدن و صراف لیره با نوزاد صغیر. صبر نواز است که به حق صبر
 کرده اند. دلبری می کشند که نگاه می رانند. اما نکته هم این است که در ترقی و در حال لغتی یا کتان اعلام کرده
 یا کتان از راه صل سبوی بیرونی فدا کرد. ظاهر بر تفسیر اوضاع کبکی آفتان ما به تا علاقه تری و طریقی هر کرد
 هر حال اوضاع ضابط برار رالت ضابط فقیر. اما بهر وضع در راض تا آنجا که من رسم رسیده است. با این ساری نیست.
 اینی مکتب فقیر است این ده سال خدمت کرده اند. وی کاری نکرده اند. بنظر من در راه کار سبوی کرده بود تا آنها. کدوای
 خوب کبک انجاف در غیر فعال جامع ای کرده و وصله دارند این انجاف را رفع مکتوبه.

۹- اما اوضاع ایران. واقعا باید تناف لبر که از قمار در خوب قی نیک تر تلقی نترسند تا از طرفین خانه راه؟ فردی به است
 آورند. تا آنجا است را درید؟ راست مکتوبه، یا علاقه ای به هیچ و کتی ندارند. آدم شرم مکتوبه.
 هر حال اوضاع سبوی کدر بنظر من در چه تفسیر شده. همه اقدامات کنونی شان صبر کرده که آنجا نگران هستند و همه ترویجی
 خردناخ را به کبک اند که اوضاع را کنترل کنند در بالا، خفت با خفته ای علی تر شده است. بنظر من که تا تری
 رفتنی در تنظیم رطوبت با خوب، کنترل ترم و حفظ امری که به بولتبه شده بود، عامل با از عدل و کت؟ را صبر لبره است.
 با نده به وضع ربال هم ولرم کترها باید در راه و کت؟ را انتف داشت.
 هر حال اوضاع طرز است که باید سبوی و کت. اما کسی که فدا کت را انجام دهد.

قوی
 ۱۳۰۶